

مدیریت عقود مشارکتی بانکها بر اساس الگوی تکافل اصناف

تاریخ تأیید: ۹۳/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۱۹

سیدامیر حسین اعتصامی*
محمدجواد شریفزاده**

چکیده

قراردادهای مشارکتی به باور بسیاری از صاحب نظران جزو پرکاربردترین عقود اسلامی درباره بانکداری اسلامی است و حتی بعضی وجود آن را از روحیه اسلامی در بانکداری حاکی دانسته اند. برای اجرای عقود مشارکتی مطابق با شریعت اسلام، الزامهایی وجود دارد که نظام بانکداری کنونی پاسخ گوی آنها نیست.

در این تحقیق با روشی توصیفی - تحلیلی پس از ارائه تحلیل روند این دسته از عقود در بانکداری ایران، به چالشها و الزامهای قراردادهای مشارکتی پرداخته شده است. در ادامه نارساییهای نظام بانکی و مزیت‌های آن در این بخش تشریح شده و از این رهگذر، مدلی در جهت اجرای صحیح این نوع قراردادها در قالب نظام بانکداری بدون ربا ارائه شده است. در راهکار پیشنهادی، بانک‌های تجاری برای تخصیص منابع مشارکتی خود به‌طور غیرمستقیم و از راه صنوف تولیدی و خدماتی اقدام می‌کنند. اتحادیه در قالب نهاد تکافل و به‌عنوان متصدی تکافل با تشکیل صندوق سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری درصدی از تسهیلات در طرح‌های سودآور، ضمن پوشش خسارت‌های احتمالی واحدهای صنفی به سودآوری و پویایی صنوف کمک مضاعف خواهد کرد. در پایان تحقیق نیز به الزامها، مزیت‌ها و چالش‌های این روش پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: عقود مشارکتی، تکافل صنوف، مدیریت ریسک، بانکداری بدون ربا.
طبقه‌بندی: JEL: G32, G29, G21.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع).

Email: etesami_1388@yahoo.com.

** استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع).

Email: mj.sharifzade@gmail.com.

مقدمه

یکی از ارکان توسعه اقتصادی، افزایش تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون اقتصادی است. ارتقای سطح تولید نیز مستلزم فراهم‌شدن زمینه‌های آن، به‌ویژه تأمین منابع مالی لازم برای تأسیس، راه‌اندازی و حفظ خط‌های تولید است. صنعت بانکداری در جایگاه یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان منابع مالی برای بخش تولید، نقش مهمی در برآورده‌کردن این نیاز دارد. یکی از چالش‌های پیش‌روی اجرای قانون بانکداری بدون ربا که در سال‌های اخیر بروز و ظهور بیشتری داشته، گرایش کم نظام بانکی به استفاده از عقود مشارکت‌محور بوده است. اگرچه یکی از هدف‌های سیاست‌گذاران بانکداری بدون ربا آن بوده که فعالیت‌های بانکداری اسلامی به سمت استفاده از عقود مشارکتی مانند مضاربه و مشارکت سوق داده شود (احمد، ۲۰۰۵م، ص ۷)؛ اما روند اعطای تسهیلات بانک‌ها در سال‌های اخیر خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. بانک‌ها برای اطمینان از کسب سود با ترکیبی از «هبه سود مازاد»، «تضمین زیان به‌وسیله مشتری» و «تضمین حداقل سود به‌وسیله مشتری»، مبالغ دریافتی از مشتری را در عقود مشارکتی به یک رقم ثابت رسانده‌اند و در عمل عقود با سود متغیر به قراردادهایی با سود معین تبدیل شده‌اند.

این در حالی است که در فضای رقابتی کسب‌وکار، بسیاری از بنگاه‌های خرد اقتصادی برای تکمیل یا تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی خود نیازمند دریافت تسهیلات مشارکتی و تسهیم ریسک و بازده هستند. به باور بعضی از محققان پولی و مالی، نظام مشارکت در سودوزیان (PLS) باعث رونق و رشد بخش واقعی اقتصاد می‌شود (چپرا، ۱۹۸۵م، ص ۱۷۱ / صدیقی، ۱۹۸۳م، ص ۱۳۹)؛ اما شیوه عملیاتی بانکداری کنونی در بخش عقود مشارکتی به‌گونه‌ای است که نه‌تنها با روح حاکم بر بانکداری اسلامی تناسبی ندارد، بلکه با اقتضائات نظام بانکداری تجاری در تناقض است.

پرسش‌های اصلی پژوهش که در نوشتار پیش‌رو کوشش شده به آنها پاسخ داده شود،

عبارت هستند از:

۱. آیا سازوکار کنونی بانکداری در ایران توانایی لازم در اجرای صحیح قراردادهای مشارکت‌محور را دارد؟
۲. نارسایی‌ها و قابلیت‌های نظام بانکداری در ایران در اجرای عقود مشارکتی چیستند؟

۳. مدل اجرایی به‌کارگیری صحیح سپرده‌های سرمایه‌گذاری در عقودهای مشارکتی، درباره واحدهای صنفی دارای اتحادیه، به‌گونه‌ای که پاسخ‌گوی چالش‌های این عقودها باشد، چگونه خواهد بود؟

فرضیه‌های تحقیق که در مقاله پیش‌رو در پی اثبات آنها هستیم، عبارت هستند از:

۱. نظام کنونی تخصیص عقودهای مشارکتی با توجه به شرطها و الزام‌های آن ناکارآمد است و بانک‌های تجاری قادر نیستند به صورت صحیح و مطابق با موازین شرعی در این حوزه به فعالیت بپردازند.
۲. نظام بانکداری مزیت‌های نسبی در بخش تجهیز منابع مشارکتی دارد و می‌توان با ارائه راهکارهایی از این مزیت‌ها استفاده کرد.
۳. مدل تکافل عام صنوف، روش مناسبی در تخصیص صحیح وجوه بانکی در پروژه‌های مشارکت‌محور بنگاه‌های اقتصادی دارای اتحادیه است.

در تحقیق پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی پس از بیان ادبیات موضوع، به تحلیل روند اعطای تسهیلات مشارکتی و مقایسه آن با دیگر عقودها پرداخته شده است، سپس به بیان ویژگی‌ها و چالش‌های عقودهای مشارکتی پرداخته شده است و از این رهگذر چالش‌ها و مزیت‌های بانکداری در اجرایی کردن این دسته از قراردادها تبیین می‌شود. در ادامه در جهت تأیید فرضیه‌های تحقیق، به ارائه مدل تکافل عام صنوف در تخصیص منابع مشارکتی بانک‌های تجاری و برشمردن الزام‌ها، مزیت‌ها و چالش‌های آن می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

برای بررسی پیشینه تحقیق درباره چالش‌های عقودهای مشارکتی و راه‌حل‌های آن، باید به سیر مطالعه‌های صاحب‌نظران و اندیشه‌وران در حوزه بانکداری اسلامی و چالش‌های پیش‌رو پرداخت. عمده تحقیق‌های صورت‌گرفته در قالب شناسایی و اثبات نقیصه‌های عملکردی بانک‌ها در پیاده‌سازی قانون بانکداری بدون ربا و ابداع روش‌هایی برای کاهش تعارض‌های این نوع قراردادها بوده است.

موسویان (۱۳۸۵) بعد از نگاهی گذرا به الگوهای گوناگون بانکداری بدون ربا در بخش‌های تجهیز و تخصیص منابع به نقد الگوی فعلی بانکداری بدون ربا ایران می‌پردازد؛ سپس الگوی جدید بانکداری بدون ربا را تبیین می‌کند و به بررسی مبانی

فقهی و حقوقی آن می‌پردازد. الگوی جدید، بانک‌ها را در سه گروه بانک‌های تجاری با سود معین مبتنی بر قراردادهای مبادله‌ای، بانک‌های تخصصی با سود متغیر با محوریت قراردادهای مشارکتی و بانک‌های جامع با ترکیب خاص قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی سامان می‌دهد (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶) به بررسی مشکل‌ها و چالش‌های عملی پیش‌روی بانکداری اسلامی در چند کشور غربی و عربی که به‌وسیله اقتصاددانان اسلامی و منتقدان مطرح شده است، پرداخته‌اند و ضمن طبقه‌بندی مشکل‌های نظری و اجرایی در سطح‌های خرد و کلان، آثار اقتصادی ناشی از آن را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ سپس به مشکل‌های بانکداری بدون ربا در ایران اشاره کرده‌اند (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶، ص ۹۷ - ۱۱۶).

نظری (۱۳۸۷) افزایش سرمایه‌گذاری و گسترش توزیع تسهیلات بانکی را از آثار مثبت نظریه مشارکت قلم‌داد کرده است و ضمن اشاره به مشکل‌های اجرایی این نظریه؛ مانند اشتقاق نرخ‌های سود بانک‌های اسلامی از نرخ‌های بهره بین‌المللی، تعیین نرخ سود معین برای سرمایه، فقدان راهکار مناسب جهت تأمین مالی دولت و فقدان زیرساخت‌های نهادی به ارائه راه‌حل برای این مشکل‌ها پرداخته است (نظری، ۱۳۸۷، ص ۶۳ - ۷۷).

نصرآبادی و شعبانی (۱۳۸۷) پس از تبیین قانون بانکداری بدون ربا در حوزه قرارداد مشارکت و چالش‌های عقدهای مشارکتی به بررسی عملکرد بانکداری ایران درباره این نوع قراردادها پرداخته‌اند. سپس آثار مطلوب اقتصادی در اجرای صحیح قراردادهای مشارکت در سودویان را برشمرده و راهکارهای ارائه‌شده در جهت کاهش چالش‌های اجرای صحیح این نوع عقدها را بررسی کرده‌اند (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷، ص ۷۷ - ۱۱۲).

حاجی‌آبادی و بهاروند (۱۳۸۹) در مقاله «راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکتی در نظام بانکی ایران»، پس از نقد عملکرد نظام بانکی در تخصیص عقدهای مشارکتی و چالش‌های آن در بازارهای پولی، سازوکار بازار سرمایه را برای این نوع عقدها پیشنهاد می‌کنند و با پیشنهاد تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری وابسته و مستقل از بانک‌ها برای اجرای عقدهای مشارکتی، به الزام‌ها و چالش‌های این راهکارها می‌پردازند (حاجی‌آبادی و بهاروند، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹ - ۱۴۲).

به‌طور خلاصه عنوان‌های راهکارهای ارائه‌شده به‌وسیله صاحب‌نظران در این‌باره را می‌توان به‌صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. اجرای قرارداد به‌صورت مشارکت کاهش‌یابنده (معصومی‌نیا، ۱۳۸۸).
۲. باز کردن حساب ویژه برای زیان احتمالی (khan, 1995).
۳. راهکارهایی برای برطرف‌شدن مشکل نظارت (توتونچیان، ۱۳۷۹).
۴. افزایش اطلاعات بانک از وضعیت متقاضی (گودرزی و کدخدایی، ۱۳۸۱).
۵. بیمه‌کردن قراردادها (قادری، ۱۳۸۲).
۶. گنجاندن بندهای تشویقی در قراردادهای مشارکتی (ابن‌عید، ۱۳۸۴).
۷. استفاده از بانک‌های سرمایه‌گذاری (بهاروند و حاجی‌آبادی، ۱۳۸۵).
۸. استفاده از بانک‌های تخصصی (موسویان، ۱۳۸۵).

در تحقیق پیش‌رو پس از بیان ویژگی‌های عقودهای مشارکتی و چالش‌های اجرایی آن، به نارسایی‌ها و نیز نقاط قوت نظام بانکداری برای پیاده‌سازی نظام مشارکت می‌پردازیم و از این رهگذر راهکار پیشنهادی ارائه می‌شود. مزیت طرح پیشنهادی نسبت به دیگر راهکارها عبارت است از: پوشش ریسک خسارت از راه تشکیل نهاد تکافل صنوف عام در جهت اجرای صحیح قراردادهای مشارکت‌محور.

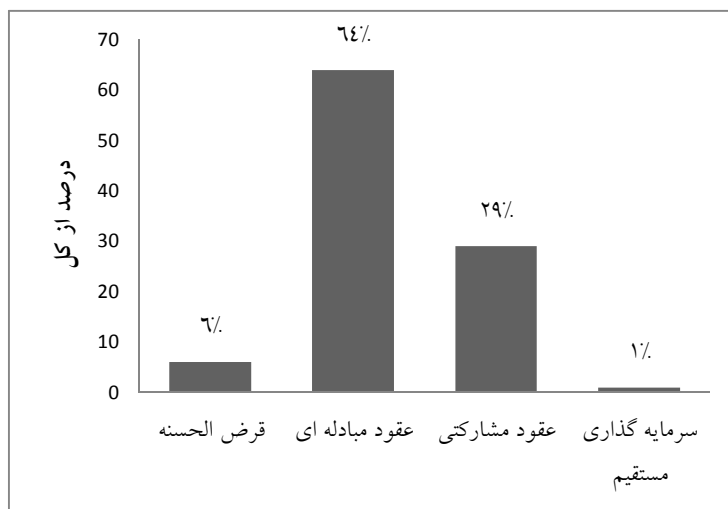
تحلیل روند اجرای قراردادهای مشارکتی در بانکداری ایران

اجرای صحیح قراردادهای مشارکتی در قالب نظام بانکداری چالش‌ها و محدودیت‌های فراوانی دارد که به نوبه خود بر حجم اعطایی این‌دسته از تسهیلات اثرگذار خواهد بود. برای نهادهای مالی که هر چه بیشتر در صدد پوشش ریسک‌های گریزپذیر خود هستند، افزایش سهم قراردادهای مشارکتی در مجموعه تسهیلات آنها یک نکته منفی قلم‌داد خواهد شد. به همین جهت در بانکداری متعارف تمام عقودها براساس قرض با بهره تعریف می‌شود و تمام ریسک سرمایه‌گذاری، بدون در نظر گرفتن چگونگی مصرف و بازده پروژه به قرض‌گیرنده تحمیل می‌شود. از طرف دیگر در صورت تدبیر راهکارهای مؤثر در جهت کاهش چالش‌ها و نقیصه‌های اجرایی آن در بانکداری اسلامی، شاهد اثرهای مثبت توسعه اقتصادی و اجتماعی در جامعه خواهیم بود. به منظور سنجش سیاست‌گذاری‌های نهادهای

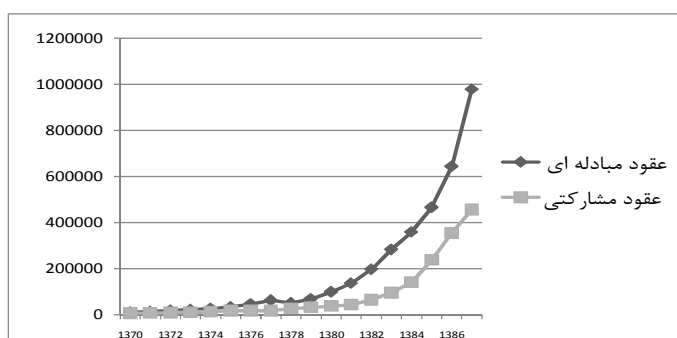
مالی در این باره و تحلیل روند تسهیلات اعطاشده در طی سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۸۹ از داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌ایم.

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، عقده‌های مبادله‌ای به‌طور متوسط در طول ۱۸ سال ۶۴ درصد و عقده‌های مشارکتی ۲۸/۲ درصد از کل قراردادهای صورت‌گرفته در بخش تخصیص منابع را به خود اختصاص داده‌اند؛ یعنی میانگین تسهیلات مبادله‌ای بیش از دو برابر تسهیلات مشارکتی بوده است. این ارقام برای تمام این سنوات با اندک نوسانی پیرامون میانگین تغییر یافته است و بر این اساس می‌توان گفت که در عمل طول سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۸۸ هیچ‌گونه تغییر محسوسی در جهت افزایش تسهیلات مشارکتی صورت نگرفته است. با توجه به نمودار ۲ هر چند حجم تسهیلات اعطایی در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال‌های ۱۳۷۰ و بعد از آن رشد چشم‌گیری داشته است؛ اما ملاحظه می‌شود که نسبت‌ها همچنان ثابت مانده است و این نشان از روند رشد کلی نقدینگی اعطایی در تمام بخش‌هاست و نمی‌توان آن را به‌عنوان سیاست افزایش یک بخش خاص تلقی کرد. از طرف دیگر با در نظر گرفتن شیوه عملی رایج در اعطای تسهیلات مشارکتی در بانکداری ایران، حتی روند صعودی آن بعد از سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ نمی‌تواند علت روشنی برای تغییر سیاست‌ها و اجرای صحیح این نوع قراردادها باشد. روش اجرای صحیح قراردادهای مشارکتی بر مبنای تسویه سودوزیان تحقق‌یافته در انتهای طرح یا سرسید است؛ یعنی عامل با دریافت تسهیلات و به‌کارگیری آن در پروژه‌های سودآور، پس از پایان دوره به سود یا به‌طور احتمال ضرر معینی خواهد رسید و براساس همین نرخ محقق‌شده و به نسبت سهم‌الشرکه، عامل و بانک منتفع یا متضرر می‌شوند؛ اما شیوه بانکداری کنونی در حقیقت متفاوت با چنین ساختاری است. بانک‌ها از ابتدا با تعیین نرخ سود انتظاری (علی‌الحساب) معیاری برای انتخاب پروژه‌ها وضع می‌کنند؛ اما هنگام تسویه قرارداد باز همین نرخ ملاک عمل قرار می‌گیرد و در صورت متضرر شدن پروژه، بانک فی‌البداهه به هیچ مقداری متقبل خسارت نمی‌شود؛ بنابراین نتیجه حاصل برای بانک چیزی جز تحصیل نرخ سود ثابت نخواهد بود و در عمل قرارداد مشارکت به عقدی مبادله‌ای مبدل شده است، با این تفاوت که عامل پذیرنده ریسک ناشی از نوسان‌های درآمدی پروژه و تورم خواهد بود و مقتضای عقده‌های مشارکتی که تسهیم متناسب ریسک و بازده است، رعایت نمی‌شود.

نمودار ۱: مجموع سهم عقودهای بانکی طی ۱۸ سال



نمودار ۲: تحلیل روند عقودهای مبادله ای و مشارکتی



مطالعه قراردادهای مشارکت مدنی و مضاربه تجاری نشان می‌دهد که در غالب این موارد، متقاضیان تسهیلات، در صدد مشارکت یا مضاربه واقعی نیستند. در بیشترین موارد، به ظاهر قرارداد مشارکت یا مضاربه منعقد می‌شود؛ اما در عمل هیچ‌یک از گیرندگان تسهیلات به لوازم آن ملتزم نیستند؛ چنانکه بانک‌های تجاری نیز که نیروی انسانی لازم برای کارشناسی پروژه و پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری و نظارت و کنترل آن را در اختیار نداشته و باور و علاقه‌ای برای مشارکت واقعی ندارند. نتیجه این می‌شود که در بانک‌های تجاری، پولی به صورت مشارکت یا مضاربه در اختیار گیرنده تسهیلات

گذاشته می‌شود و بعد از مدت معینی، همان پول همراه با سود معینی از وی گرفته می‌شود. روشن است که چنین معامله‌ای صوری بوده و به ربا نزدیک‌تر است تا به مشارکت (امیراصلانی، ۱۳۷۱، ص ۳۵ - ۳۶).

چالش‌های عقود مشارکتی در بانکداری بدون ربا

بالا بودن ریسک اعتباری (Credit Risk) مشتریان: در عقود مشارکتی برخلاف عقود مبادله‌ای که براساس نرخ سود معین و دریافت وثیقه از گیرنده تسهیلات انجام می‌گیرد، نرخ سود نامعین است و به علت ویژگی مشارکت، شریکان از یکدیگر وثیقه‌ای دریافت نمی‌کنند (عقیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۳)؛ بنابراین قراردادهای مشارکتی از دو جهت ریسک اعتباری بانک‌ها را افزایش می‌دهند:

الف) انتخاب معکوس (Adverse Selection): متقاضیان بسیاری خواهان استفاده از تسهیلات بانکی هستند؛ بنابراین با توجه به محدودیت منابع، بانک به ارزیابی پروژه‌ها و انتخاب کم‌ریسک‌ترین و سودآورترین طرح اقدام می‌کند. اگر متقاضی توانایی‌ها و سوابق کاری خود را پنهان کند و طرح به اشتباه برای تأمین مالی انتخاب شود، بانک سود لازم را کسب نخواهد کرد (عمر فروغ، ۲۰۰۶م، ص ۱۱). این مشکل، عامل بالقوه‌ای است که در مرحله تصمیم‌گیری و پیش از عقد قرارداد بر ریسک اعتباری بانک اثرگذار است.

ب) خطر اخلاقی (Moral Hazard): این مشکل مربوط به بعد از قرارداد و در انتهای فعالیت شرکت است. زمانی که گیرنده تسهیلات، فعالیت و عملکرد طرح را پنهان می‌کند (khan, 1995, p.11)، ممکن است دریافت‌کننده تسهیلات پس از به‌کارگیری سرمایه در فعالیت‌های سودآور و حاصل‌شدن بازده، به انگیزه طلب سود بیشتر یا زیان کمتر، از افشای دقیق سود تحقیق‌یافته بپرهیزد. این مشکل افزون بر افزایش ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی را افزایش می‌دهد و بر سود سپرده‌گذاران اثر منفی خواهد داشت. این‌دو خطر ناشی از اطلاعات نامتقارن (Asymmetric Information) است؛ به این معنا که سطح اطلاعات بانک و سرمایه‌گذار نسبت به پروژه و بازدهی آن یکسان نیست.

در صورتی که نظارت در عقود مشارکتی به‌صورت صحیح اجرا شود، ریسک اعتباری مشارکت نسبت به ریسک دیگر تسهیلات کمتر خواهد بود (علوی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

هزینه‌های بالای ارزیابی و نظارت: از آنجا که بانک در عقودهای مشارکتی در جایگاه شریک غیرعامل در طرح‌های اقتصادی مشارکت دارد و به‌طور مستقیم در پروژه مشارکت ندارد، لازم است که ناظرانی از طرف بانک بر حسن اجرای طرح‌ها در جهت پدیدساختن سودآوری آنها و تأیید صحت و دقت در سود تحقق‌یافته، نظارت داشته باشند. با توجه به تعداد فراوان قراردادهای مشارکتی، تعیین یک ناظر از طرف بانک برای هر پروژه بسیار دشوار است و همین موضوع باعث تحمیل هزینه‌های سنگینی برای بانک‌های تجاری خواهد شد؛ بنابراین بسیاری از بانک‌ها برای گریز از این هزینه‌ها با قرار دادن شرط‌های گوناگونی مانند شرط فعل، ماهیت این‌گونه قراردادها را به عقودهای بازدهی معین تبدیل کرده‌اند یا میزان تسهیلات مشارکتی را کاهش داده و بر حجم قراردادهای مبادله‌ای افزوده‌اند (علوی، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

نارسایی‌ها و قابلیت‌های نظام بانکی در اجرای عقودهای مشارکتی

برای بررسی کارایی نظام بانکی در اعطای تسهیلات مشارکتی و ارائه راهکار مناسب، ابتدا باید ماهیت عملکرد بانک و تطابق آن با ویژگی‌های قراردادهای مشارکت در سودوزیان مشخص شود، سپس با توجه به مزیت‌های بانک به ارائه راه‌حل پرداخت.

نظام بانکداری بر پایه سپرده‌گیری و وام‌دهی عمل می‌کند که چنین عملکردی با ماهیت عملیاتی قراردادهای مشارکت‌محور سنخیت معناداری ندارد. الزام‌های قراردادهای مشارکت‌محور عبارت هستند از:

۱. همراهی مناسب و واقعی هر کدام از طرفین قرارداد مشارکت و تحمل ریسک‌های مترتبه که گاهی درجه بالایی دارند.
۲. منابع مصرف‌شده در پروژه به‌طور معمول برای دوره بلندمدتی در پروژه بلوکه می‌شود.
۳. دسترسی به بازدهی طرح‌های مشارکتی نیازمند گذر زمان به نسبت طولانی است که در صورت ورود مؤسسه بانکی به قراردادهای بلندمدت، ریسک نقدینگی آن مؤسسه به‌شدت افزایش می‌یابد؛ چرا که متعهد به پرداخت سودهای مشخص در دوره کوتاه‌مدت به سپرده‌گذاران است.
۴. با توجه به دامنه وسیع فعالیت‌های بانکی، مدیریت صحیح و کارآمد بر طرح‌های

موضوع قراردادهای مشارکتی و کنترل آنها از سوی طرفین قرارداد و نظارت مستمر بر آنها، توان سازمانی و عملیاتی گسترده‌ای می‌طلبد که در عین حال بسیار هزینه‌بر نیز هستند. بانک‌های تجاری مهم‌ترین فعالان بازار پول هستند. بازار پول مانند هر بازار دیگری شرایط و اقتضانات خاص خود را طلب می‌کند که برای بهره‌مندی اثربخش و کارا باید آنها را مدنظر قرار داد. در ذیل به برخی از ویژگی‌های بازار پول اشاره شده است:

۱. بالابودن درجه اطمینان مالی در این بازار (ریسک کم)؛
۲. بالابودن سرعت انجام معامله‌های مالی در این بازار؛
۳. استفاده از ابزارهایی با درجه بالای نقدینگی؛
۴. اعمال کنترل مقام‌های پولی (بانک مرکزی) با استفاده از ابزارهای سیاست پولی؛
۵. پاسخ‌گویی به نیازهای کوتاه‌مدت (شیوا، ۱۳۷۹، ص ۴).

بنابراین می‌توان گفت که موارد بیان‌شده برای عقود مشارکتی با ویژگی‌های بازار پول هماهنگی چندانی ندارد و نظام کنونی بانکداری ایران در حال حاضر قادر به پاسخ‌گویی مطلوب به این الزام‌ها نیست و نمی‌تواند به‌طور مستقیم عقود مشارکتی را در چنین بستری به‌کار گیرد. از طرف دیگر مسئله جدی در اعطای تسهیلات، تأمین منابع مالی آن است. انتقال وجوه از پس‌اندازکنندگان به سرمایه‌گذاران به دو روش صورت می‌گیرد: الف) به‌طور مستقیم از بازار سرمایه؛ ب) از راه واسطه‌گری بازار پول که نهاد اصلی آن بانک‌ها هستند. بازار سرمایه محلی برای تأمین مالی کلان شرکت‌ها به‌صورت مشارکت حقوقی است و سازوکار قانونی پیچیده‌تری دارد که باعث کاهش سرعت تخصیص منابع می‌شود؛ بنابراین برای تأمین یا تکمیل مالی بنگاه‌های خرد مناسب نیست، در حالی که بانک با توجه به ویژگی‌های بازار پول که به آن اشاره شد، محل مناسبی برای برطرف کردن نیازهای مالی بخش خرد اقتصاد است. از طرف دیگر به‌طور معمول بانک‌ها تمایل کمتری به مشارکت با بنگاه‌های خرد دارند و ترجیح می‌دهند منابع خود را در اختیار بنگاه‌هایی با حجم عملیاتی بالا و سودآور قرار دهند. سودآوری کمتر، اعتبار مالی پایین‌تر، عدم برنامه‌ریزی در بازپرداخت‌ها و روش‌های ناصحیح حسابداری در کشف سود واقعی بنگاه‌های خرد و نیز افزایش هزینه‌های عملیاتی بانک، باعث شده که بانک‌ها بیشتر به مشارکت با بنگاه‌های بزرگ رغبت نشان دهند؛ بنابراین برای بهره‌مندی بنگاه‌های خرد از

تسهیلات مشارکتی باید اعطای این نوع قراردادها به نهاد دیگری که بتواند بر محدودیت‌های بیان‌شده فائق آید، محول شود؛ یا اصلاح‌های لازم در ترتیبات مربوط به قراردادهای مشارکتی بانک‌ها انجام شود. با این حال بانک‌ها در جایگاه اصلی‌ترین واسطه‌گران بازار پول نقش‌های متعدد و مؤثری در اقتصاد دارند که به‌عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. کاهش هزینه‌های معاملاتی و در نتیجه افزایش کارایی فرایند پس‌انداز-سرمایه‌گذاری و برطرف کردن عدم تطابقی که به‌طور طبیعی در هر اقتصادی بین نیازهای بخش‌های دارای مازاد وجه با بخش‌های دارای کسری وجه وجود دارد.
۲. کاهش اطلاعات نامتقارن و در نتیجه کاهش انتخاب معکوس و خطر اخلاقی.
۳. صرفه‌جویی‌های مقیاس که باعث کاهش هزینه‌های معامله‌ای انتقال وجوه می‌شود.
۴. برطرف‌شدن عدم تطابق‌هایی که بین پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران در زمینه سلیقه‌ها، دوره‌های سررسید و حجم وجوه وجود دارد.
۵. به وسیله جمع‌آوری وجوه خرد و یک‌کاسه کردن آنها متناسب با نیاز متقاضیان عدم تطابق عرضه و تقاضای وجوه را از بین می‌برند.
۶. ترجیحات ریسک عرضه‌کنندگان خرد و مصرف‌کنندگان بزرگ وجوه متفاوت است. اغلب پس‌اندازکنندگان ریسک‌گریز هستند، در حالی که استفاده‌کنندگان وجوه را در پروژه‌های با ریسک بالا سرمایه‌گذاری می‌کنند. واسطه‌های مالی از راه متنوع‌سازی سبد دارایی ریسک موجود را به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌دهند (اقبال، احمد و خان، ۱۳۸۷، ص ۲۴ - ۲۷).

با توجه به مطالب پیش‌گفته مشخص شد که هر چند ساختار بانکداری در حال حاضر برای اجرای عقود مشارکتی در قالب شریعت مناسب نیست اما نمی‌توان از نقش پررنگ بانک در تجهیز منابع قراردادهای مشارکتی چشم پوشید. تعدد شعبه‌های بانک‌ها و گستردگی آنها زمینه مناسبی را برای تسهیل و تسریع انتقال وجوه پدید می‌آورد. برای دستیابی به مدلی جامع باید محدودیت‌ها و مزیت‌های بانکداری را یک‌جا در نظر گرفت و به ارائه راهکار پرداخت. در ادامه به راهکارهایی پرداخته می‌شود که در آن بانک‌ها با توجه به سطح ریسک‌پذیری خود به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی اقدام می‌کنند. در این روش افزون بر حفظ مزیت نسبی بانک در تجمیع منابع و تزریق آن به بخش واقعی

اقتصاد، بانک‌های تجاری تا حد بسیاری از چالش‌های بیان‌شده برای عقود مشارکتی به دور خواهند بود.

بانک‌های تجاری نسبت به ریسک‌های ناشی از قراردادهای مشارکتی توانایی تحمل ریسک اندکی دارند. طولانی‌بودن مدت بازگشت سرمایه و بازدهی و نوسان‌های سود برای بانک‌های تجاری که تعهدهای پرداخت سود کوتاه‌مدت و تسهیلاتی با نرخ‌های ثابت دارند، قابل تحمل نخواهد بود و تا حد ممکن می‌کوشند از ریسک‌های این نوع قراردادها بپرهیزند. این قسم بانک‌ها اکثر فعالیتشان درباره عقودهای با بازدهی معین است و ریسک‌پذیری (Risk Acceptability) پایین‌تری دارند و اغلب مشتریان این نوع بانک‌ها هم در طرف سپرده‌گذاران و هم در طرف سرمایه‌گذاران افراد ریسک‌گریز جامعه هستند. بنابراین برای اجرای عقود مشارکتی به صورت صحیح صلاحیت آن را نخواهند داشت که به طور مستقیم مشارکت کنند؛ پس بانک‌های تجاری با واسطه قرارداد دادن نهاد سومی در جایگاه وکیل در امکان‌سنجی و اعطای تسهیلات به مقدار فراوانی به کاهش مخاطره‌ها و محدودیت‌های عقود مشارکتی قادر خواهند بود. این راهکار در ادامه تحت عنوان مشارکت مشروط در قالب تکافل صنوف بیان خواهد شد.

الگوی پیشنهادی تکافل صنوف در عقود مشارکتی

همان‌طور که از بحث‌های پیشین معلوم شد، برای اجرای صحیح قراردادهای مشارکت‌محور از راه تأمین مالی به وسیله بانک‌های تجاری (بانک‌های ریسک‌گریز) باید از نهاد واسطی که در ارتباط مستقیم با بانک و سرمایه‌گذاران باشد، استفاده کرد. اتحادیه‌های صنوف* به عنوان نهادهایی حقوقی که نزدیک‌ترین تعامل حرفه‌ای را با بنگاه‌های اقتصادی دارند، محل مناسبی برای اجرای عقود مشارکت‌بنیان هستند؛ اولاً، اتحادیه‌ها به علت تمرکز در یک رشته خاص و اشراف در یک ناحیه جغرافیایی و با تعداد واحدهای** محدود تحت

* اتحادیه: شخصیتی حقوقی است که از افراد یک یا چند صنف که فعالیت یکسان یا مشابه دارند، برای انجام دادن وظیفه‌ها و مسئولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌شود (ماده ۷ قانون نظام صنفی).

** واحد صنفی: هر واحد اقتصادی که فعالیت آن در محل ثابت یا وسیله سیار نباشد و به وسیله فرد یا افراد صنفی با دریافت پروانه کسب دایر شده باشد، واحد صنفی شناخته می‌شود (ماده ۳ قانون نظام صنفی).

پوشش، قابلیت بالایی برای دستیابی به اطلاعات اقتصادی و اعتباری هر یک از واحدهای زیرمجموعه خود دارند؛ ثانیاً، در پیش‌بینی و رصد نوسان‌های مالی و اقتصادی در حوزه فعالیت خود صلاحیت و خبرگی بیشتری نسبت به هر نهاد حقوقی دیگری دارند. در حقیقت اتحادیه‌ها به‌عنوان یک شورای مشورتی، بهترین نهاد تشخیص‌دهنده نیازهای مالی و توانایی‌های لازم در بخش‌های خرد اقتصاد هستند. متصدیان اتحادیه‌های هر منطقه آشناترین افراد نسبت به چالش‌ها و فرصت‌های آن کسب‌وکار هستند؛ بنابراین مسئله خطر اخلاقی و به عبارت دیگر عدم دسترسی به اطلاعات دقیق سود محقق‌شده به‌وسیله بانک به حداقل خواهد رسید؛ ثالثاً، در صورت تخصیص بهینه وجوه به‌وسیله اتحادیه، پویایی بخش‌های خرد اقتصاد افزایش خواهد یافت؛ به این صورت که در هر حوزه خاص، بنگاه‌ها کوشش بیشتری برای بهره‌مندی از منابع تخصیص‌داده‌شده خواهند داشت؛ رابعاً، برخی مزیت‌های گفته‌شده برای واسطه‌های مالی درباره اتحادیه‌ها نیز صادق است؛ مانند کاهش هزینه‌های اطلاعات، صرفه‌های ناشی از مقیاس و تنظیم عرضه و تقاضای وجوه. بسیاری از مسائل اقتصادی را می‌توان از راه برنامه‌های مشارکتی به جای برنامه‌های انتفاعی به‌طور مؤثر حل کرد. از میان این برنامه‌ها می‌توان برنامه‌های توزیع و تسهیم ریسک را نام برد. طبق نظر شیلر، معامله متقابل برای تسهیم ریسک و مدیریت آن ضروری است. اگرچه بیمه تجاری به شکل وسیعی اتخاذ می‌شود اما بیمه مشارکتی نیز معمول است. تا حدودی نیمی از قراردادهای بیمه زندگی در آمریکا براساس بیمه مشارکتی تنظیم شده است. بیمه مشارکتی توزیع و تسهیم ریسک بیمه تجاری دارد، اما این نوع بیمه می‌تواند مسائل مربوط به خطرهای اخلاقی و تضاد منافع را که بیمه تجاری همراه خود دارد، کاهش دهد (سویلیم، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶).

تعریف و مفهوم تکافل

واژه تکافل از قرآن و سنت (از واژه عربی «کفالت») گرفته شده است و به معنای ضمانت مشترک است (جفر، ۲۰۰۷م، ص ۸۸). برخی منابع واژه تکافل را ضمانت طرفینی یا مسئولیت مشترک بیان کرده‌اند (Salahuddin, 2006, P.512). تکافل نظامی است که بر اصل کمک متقابل (تعاون) و همکاری داوطلبانه (تبرع) مبتنی است و در آن، ریسک،

داوطلبانه و به‌طور اشتراکی میان مشارکت‌کنندگان تسهیم می‌شود (هو و استایب، ۲۰۰۸م، ص ۲۱). شرکت‌کنندگان در تکافل باعث کمک به حفاظت از یکدیگر در برابر تأثیر فاجعه و ریسک پیش‌بینی‌نشده می‌شوند (هبه‌کردن)؛ در حالی که در بیمه مرسوم، دارندگان بیمه‌نامه، حق بیمه‌ها را به منظور حفاظت از خودشان یا منافعشان از نوعی ریسک پرداخت می‌کنند (زارع، ۱۳۸۸، ص ۵-۶).

تکافل تا حد فراوانی شبیه به بیمه‌های تعاونی رایج است. این نوع بیمه‌ها شامل افرادی هستند که ریسک‌های خود را بر مبنای مشارکت بین یکدیگر تقسیم می‌کنند (عسگری و اسمعیلی‌گیوی، ۱۳۸۷، ص ۷۷). تکافل، توافق مشروعی است که در آن انتقال ریسک دوجانبه بین شریکان و عاملان وجود دارد. تکافل از نظر مفهوم، عبارت است از تقسیم ریسک دوجانبه بر مبنای تعاون (حمایت دوطرفه).

امروزه مشهورترین الگوهای تکافل، الگوی عاملیت (وکالت)، الگوی تقسیم سود (مضاربه) یا الگوی مرکب از هر دو الگوی مختلط هستند. الگوی چهارمی نیز با عنوان وقف (الگوی اعطا) در پاکستان وجود دارد (هو و استایب، ۲۰۰۸م، ص ۲۱). شکل عملیاتی خود این دو الگو (وکالت و مضاربه) نیز در شرکت‌های گوناگون متفاوت است؛ اما مبانی، فرایند و چگونگی کلی کار این الگوها یکسان است (آقامهدوی، اسمعیلی‌گیوی و کاوند، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰).

تفاوت تکافل و بیمه رایج

تفاوت بین تکافل با بیمه مرسوم، در روش ارزیابی، کنترل ریسک و نیز در چگونگی مدیریت صندوق تکافل است. مهم‌ترین ویژگی‌های تکافل به اختصار عبارت هستند از:

الف) تکافل مانعی در جهت پدید آمدن غرر و میسر در قرارداد پوشش ریسک است.

ب) برای پرهیز از غرر، هر یک از قراردادهای بیمه تکافل باید به‌طور کامل شفاف باشد. در حقیقت در این قرارداد نباید شرایط نامعلومی از یک طرف به طرف دیگر قرارداد منتقل شود. اگر مشارکت‌کنندگان (بیمه‌گذاران) در موضوع بیمه نفع بیمه‌ای داشته باشند، اگر در انتقال ریسک ابهام‌هایی وجود داشته باشد، قرارداد تکافل منعقد نمی‌شود.

ج) وجوه صندوق باید مطابق قوانین شریعت اسلام سرمایه‌گذاری شود (معصوم بالله، ۱۳۸۹، صص ۲۰۹ و ۳۹۵).

براساس دیدگاه اسلامی، مهم‌ترین تفاوت میان دو نوع بیمه، تعهد شرکت بیمه است. بیمه تجاری (سهامی)، شرکتی است که برای پرداخت ادعاهای مالی، بدون توجه به حجم تأمین مالی شده از راه حق بیمه‌ها، متعهد شده است. از طرف دیگر، بیمه مشارکتی به وسیله حجم منابع تأمین مالی شده محدود شده است. اگر وجوه نقد به اندازه کافی نباشد، هر کدام از بیمه‌شوندگان به صورت داوطلبانه در میزان کمبود آن مشارکت می‌کنند یا مبلغی که برای جبران حادثه پرداخت می‌شود، نسبت به وجوه در دسترس کاهش خواهد یافت (سویلیم، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸).

الگوی تکافل صنوف

در مدل مبتنی بر وکالت، منابع مشارکتی بانک عامل که قرار است در طرح‌های اقتصادی واحدهای تولیدی به کار گرفته شود، از راه نهاد تکافل تخصیص می‌یابد. اتحادیه به همراه متقاضیان تسهیلات مشارکتی (واحدهای صنفی زیرمجموعه) تشکیل یک نهاد تکافل می‌دهند. این اتحادیه‌ها به نیابت از متقاضیان تسهیلات، متولی نهاد تکافل خواهند بود. از جمله وظیفه‌های متولی نهاد تکافل عبارت هستند از:

۱. سبدگردانی وام‌های اعطایی به صورتی که به تعداد بیشتر و با کارایی بالاتری تسهیلات تخصیص یابد.

۲. اعتبارسنجی پروژه‌های اقتصادی بنگاه‌های متقاضی تسهیلات.

۳. ارزیابی فنی و اقتصادی طرح‌های صورت پذیرفته.

متولی تکافل (اتحادیه)، مسئولیت اعتبارسنجی طرح‌ها و معرفی پروژه‌های توجیه‌پذیر به بانک، نظارت بر چگونگی مصرف وجوه تخصیص یافته و برآورد سود تحقق یافته طرح‌ها را بر عهده دارد. مدیریت صندوق تکافل نیز به عهده اتحادیه خواهد بود. در این روش براساس الگوی تکافل عام عمل خواهد شد.

الگوی تکافل عام

در تکافل عام، حق تکافل پرداختی کوتاه‌مدت است به این معنا که اگر در طول دوره قرارداد موردی برای دریافت خسارت پیش نیامده باشد، دارنده بیمه‌نامه باید تا پایان دوره قرارداد آن را تمدید کند.

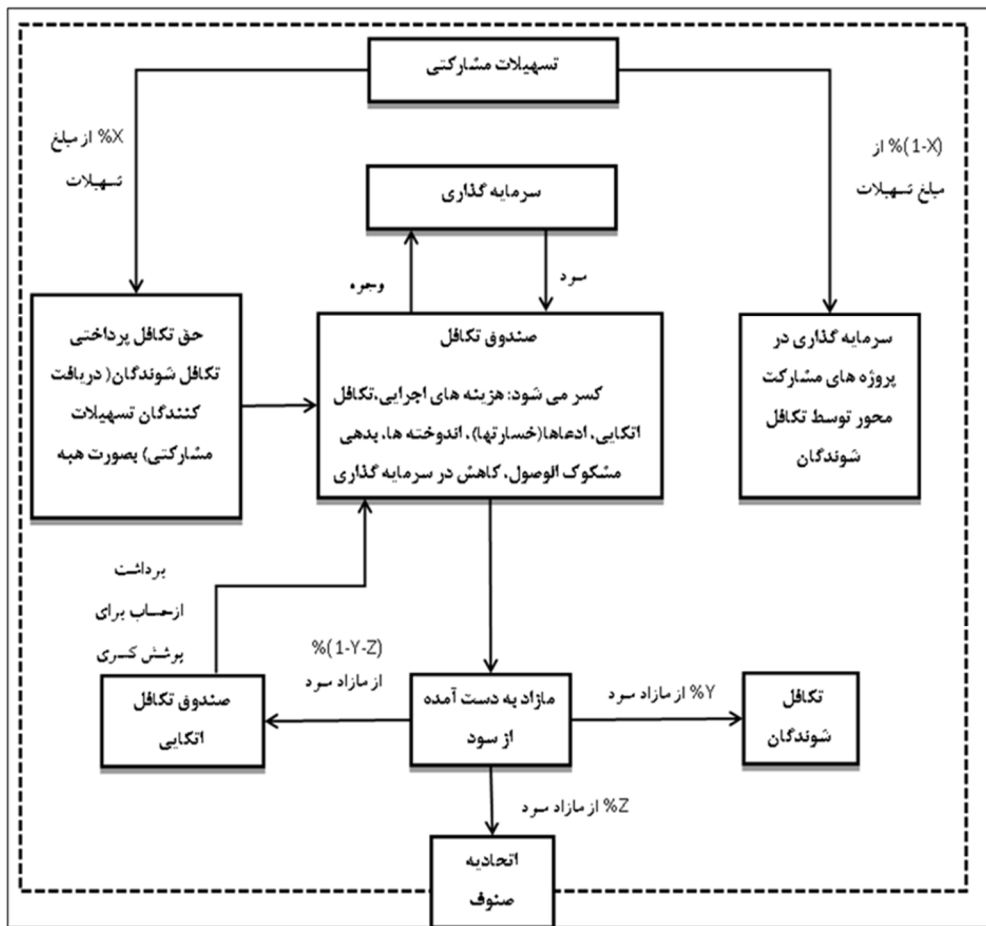
حق بیمه پرداختی در بیمه عام، تبرع تلقی می‌شود. دارنده بیمه‌نامه در صورتی می‌تواند برای دریافت سود بیمه اقدام کند که در طول مدت قرارداد خطری برای موضوع قرارداد پیش آمده باشد؛ اما در صورت عدم وقوع خطر، بیمه‌شده حق ندارد ادعای خسارت کند. نیز در فعالیت‌های تکافل، عامل، دو دسته سود برای افراد در نظر می‌گیرد که در طول مدت قرارداد خسارتی دریافت نکرده‌اند. این مزیت‌ها، عدم خسارت نامیده می‌شود. روش دیگر این مزیت‌ها، سهمی از سود شرکت به‌عنوان اضافه‌پرداخت است که با پایان مهلت قرارداد براساس سیاست‌های شرکت تعیین می‌شود (معصوم بالله، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷).

در این روش، اتحادیه صنف (متصدی تکافل) هزینه‌های راه‌اندازی فعالیت‌های تجاری را تأمین می‌کند تا سهمی از مازاد و سود سرمایه‌گذاری داشته باشد. این کار براساس قرارداد وکالت که قراردادی تجاری و اسلامی است، بین متصدی تکافل و گیرندگان تسهیلات (مشارکت‌کنندگان یا تکافل‌شوندگان) انجام می‌شود. در این نوع پوشش متقاضیان تسهیلات یا تکافل‌شوندگان کسانی هستند که افزون بر دریافت تسهیلات مشارکتی بانک، به منظور پوشش خود در برابر خطر احتمالی در سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، با متصدی تکافل قرارداد می‌بندند. در این قرارداد، تکافل‌شوندگان حق تکافل خود را که درصدی از مبلغ تسهیلات دریافت‌شده از بانک است، به صندوق تکافل هبه می‌کنند. اتحادیه نیز که وکیل تکافل‌شوندگان در به‌کارگیری وجوه است، این پول هبه‌شده را به این صورت مدیریت می‌کند که هزینه‌های پذیره‌نویسی و اندوخته‌ها را در طول دوره از صندوق تکافل کم می‌کند. این هزینه‌ها، شامل پرداخت حق تکافل اتکایی، پرداخت خسارت‌های تکافل‌شوندگان (ادعاها) و ذخیره مربوط به حق تکافل عایدنشده است. بخش دیگری از این پول برای جبران مطالبه‌های مشکوک‌الوصول و قسمتی نیز برای کاهش احتمالی ارزش سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. متصدی تکافل به‌منظور کسب سود بیشتر برای تکافل‌شوندگان و خود، پول صندوق تکافل را سرمایه‌گذاری می‌کند و سود این سرمایه‌گذاری به همین صندوق واریز خواهد شد.

اگر پول صندوق تکافل برای پوشش این موارد کافی نباشد، براساس شرط ضمن عقد تکافل میان اتحادیه صنف و تکافل‌شوندگان، متصدی تکافل موظف است که به میزان کافی به این صندوق وام قرض‌الحسنه بدهد. متصدی تکافل می‌تواند با پدیدساختن تکافل

اتکایی با دیگر صنوف تکافل‌گر، این مبلغ را از صندوق تکافل اتکایی قرض گیرد. چنانکه در پایان دوره در صندوق تکافل چیزی باقی مانده باشد، این مازاد بین دریافت‌کنندگان تسهیلات (تکافل‌شوندگان) و متصدی تکافل براساس نرخ از پیش توافق‌شده تقسیم خواهد شد. بخشی از این مازاد دریافت‌شده به وسیله متصدی تکافل، براساس درصد معینی به عنوان حق‌العمل اعتبارسنجی، ارزیابی پروژه و نظارت طرح‌ها به اتحادیه تخصیص داده می‌شود.

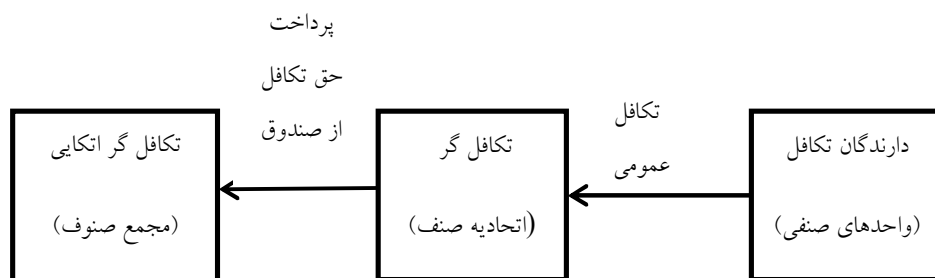
نمودار ۴. الگوی تکافل عام در تخصیص تسهیلات مشارکتی



تکافل اتکایی صنوف

تکافل اتکایی رابطه نزدیکی با عملیات تکافل دارد؛ به طوری که شکلی از تکافل است. در حقیقت تکافل اتکایی نوعی بیمه است. در این نوع بیمه، تکافل گر مبلغ توافق شده‌ای از حق تکافل را از صندوق تکافل به شرکت بیمه اتکایی یا تکافل گر اتکایی پرداخت می‌کند و این شرکت‌ها به جای بیمه گر تکافل خدمات و پوشش‌های مناسب را ارائه می‌کند. این یک مدل ریسک‌گریزی است که شرکت تکافل واگذارنده به بیمه‌گران اتکایی متداول یا تکافل گر اتکایی متوسل می‌شود تا ریسک‌های بیمه شده اولیه را در صورتی که از حد ظرفیت خود بیشتر باشد، در برابر اوضاع آینده پوشش دهد (عامل، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

نمودار ۵- الگوی تکافل بیمه اتکایی



با توجه به نمودار پیشین، دارندگان تکافل، همان واحدهای صنفی طبق الگوی بیان شده در پیش، درصدی از تسهیلات را به صندوق تکافل اختصاص می‌دهند. تکافل‌گران قسمتی از وجه صندوق تکافل را به منظور تقسیم ریسک خود با تکافل گر اتکایی به صندوق تکافل اتکایی هبه می‌کنند تا در برابر ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی و خسارت‌های اتفاقی حمایت شوند. با توجه به جایگاه و شرح وظیفه‌های مجمع امور صنفی در قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی، این نهاد می‌تواند با تشکیل صندوق تکافل اتکایی، نمایندگان اتحادیه‌ها را تحت پوشش خود قرار دهد. صندوق تکافل اتکایی نیز می‌تواند به نوبه خود پرداختی‌های تکافل‌گران را سرمایه‌گذاری کند.

الگوی مشارکت مدنی مشروط در اجرای تسهیلات مشارکتی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، منابع بانکی تجهیز شده از راه سپرده‌های خاص قراردادهای مشارکتی، فرصت خوبی را برای به‌کارگیری این منابع در سرمایه‌گذاری‌های سودآور فراهم می‌کند؛ اما از طرف دیگر مخاطره‌های اجرایی این عقود، بانک‌های تجاری را با ریسک‌های متعددی روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین بانک‌ها برای کاهش این فشارها مجبور به اتخاذ سیاستی در جهت تثبیت نرخ سود انتظاری هستند. هر چند تعیین نرخ سود انتظاری برای سرمایه‌گذاری در انتخاب پروژه‌ها فی‌نفسه بلامانع است؛ اما آنچه در اجرای صحیح عقود مشارکتی مدنظر شریعت اسلام است، تسویه براساس سود تحقق‌یافته است.

یکی از الگوهای پیشنهادی برای مشارکت بانک در انجام طرح‌های اقتصادی در قالب الگوی تکافلی و به‌منظور کاهش چالش‌های از پیش گفته‌شده، الگوی مشارکت مدنی مشروط است. مشارکت مدنی به‌وسیله بانک عبارت است از: «درآمیختن سهم‌الشرکه نقدی یا غیرنقدی شریک با سهم‌الشرکه نقدی یا غیرنقدی بانک به‌صورت مشاع برای انجام کاری معین درباره فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی به‌مدت محدود به قصد انتفاع بر حسب قرارداد» (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۵۴۲). در مدل مشارکت مشروط از دو قرارداد شرکت و اجاره به شرط تملیک به‌صورت هم‌زمان استفاده می‌شود. اساس کار به این صورت است که مشتری با دریافت تسهیلات مشارکت‌محور، به خرید دارایی بادوامی که قابلیت استیجاری داشته باشد، اقدام می‌کند و اموال خود را با بانک به مشارکت می‌گذارد. این قرارداد دارای دو شرط ضمن عقد است:

۱. اگر مشتری تا سررسید معین نسبت به پرداخت ثمن اموال مورد مشارکت (اموال مشاعی) اقدام کند، بانک اموال مشاعی را به مشتری برگرداند.

۲. تا زمانی که مشتری در اموال خود با بانک شریک است، بانک سهم خود از اموال بیان‌شده را در قالب عقد اجاره در اختیار مشتری قرار داده و اجاره دریافت کند.

نرخ اجاره‌بها؛ اولاً، به‌گونه‌ای تعیین می‌شود که حداقل سود انتظاری بانک پوشش داده شود؛ ثانیاً، نرخ اجاره‌بها باید به‌گونه‌ای تعیین شود که منعکس‌کننده حداقل سود حاصل‌شده از منافع آن دارایی باشد.

از آنجا که در اجاره به شرط تملیک، در سررسید عین مستأجره به تملیک مشتری درخواهد آمد، تعیین نرخ دارایی برای تملیک، در پایان دوره و به شرحی که در ادامه می‌آید، معین می‌شود. در حقیقت سهم سود بانک از این مشارکت، سود محقق‌شده از سرمایه است که مقداری از آن در قالب اجاره‌بها به صورت ثابت و مستمر در طول دوره دریافت می‌شود و مابه‌التفاوت اجاره‌بهای دریافت‌شده با سود محقق‌شده در ارزشیابی عین مستأجره برای تملیک آن به مشتری در سررسید حساب خواهد شد.

در پایان تاریخ تسویه یا تاریخ اتمام پروژه، اتحادیه به نیابت از بانک، طرح را ارزیابی خواهد کرد و نرخ نهایی سود تحقق‌یافته مشخص می‌شود.

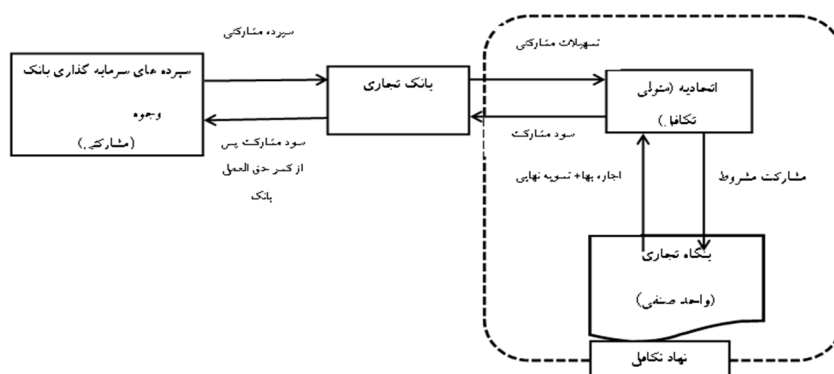
در تعیین میزان سود محقق‌شده از تمام پروژه و تعیین سهم بانک و مشتری از سود واقعی سه حالت ذیل مفروض است:

۱. سود واقعی بیش از مقدار تجمعی اجاره‌بهای پرداخت‌شده باشد: از آنجا که در این صورت مازاد سود واقعی، جزیی از سرمایه بانک شمرده خواهد شد، در هنگام تسویه نهایی برای تملیک مال به بنگاه به همان میزان، باعث افزایش قیمت دارایی می‌شود؛ به عبارت دیگر دارایی با لحاظ مازاد سود از اجاره‌بها قیمت‌گذاری شده و به بنگاه فروخته می‌شود؛ به طور مثال، اگر مجموع پرداختی‌های اجاره‌بها ۱۰۰ میلیون ریال و سود محقق‌شده پایان دوره ۱۲۰ میلیون ریال باشد و ارزش عین مستأجره ۱۰۰۰ میلیون ریال باشد، عین مستأجره به قیمت ۱۰۲۰ میلیون ریال به مشتری فروخته خواهد شد.

۲. سود واقعی با مقدار تجمعی اجاره‌بهای پرداختی یکسان باشد: در این حالت دارایی در سررسید به قیمت تعادلی به بنگاه فروخته می‌شود.

۳. سود واقعی کمتر از مقدار تجمعی اجاره‌بهای پرداختی باشد: به میزان تفاضل مجموع اجاره‌بهای پرداخت‌شده از سود واقعی، از قیمت دارایی در سررسید کاسته می‌شود و به تملیک بنگاه درخواهد آمد.

در صورتی که اصل دارایی دچار مخاطره شود و قسمتی یا تمام عین مستأجره دچار خسارت شود، از راه صندوق تکافل این خسارت‌ها جبران خواهد شد. در نمودار ۶ الگوی مشارکت مشروط در قالب نهاد تکافل نشان داده شده است:



بررسی کارایی مدل

در سه محور کلی می‌توان به بررسی کارایی این مدل پرداخت:

۱. **تطابق با هدف‌ها:** الف) با توجه به مزیت‌های بیان‌شده برای اتحادیه و استفاده از این نهاد به‌عنوان ناظر و ارزیاب طرح‌ها تا حد فراوانی مشکل انتخاب معکوس، مسئله ارزش‌گذاری نهایی طرح و تعیین سود قطعی و نظارت، مرتفع خواهد شد. ب) الگوی مشارکت مشروط، راهکار مناسبی در جهت افزایش نظارت اتحادیه بر پروژه است. چالش مربوط به تعیین نرخ سود واقعی عقدهای مشارکتی نیز در این مدل موضوعیت پیدا نمی‌کند. ج) با تفکیک وظیفه‌های تکافل میان اتحادیه و بانک، کارایی صندوق تکافل بهینه خواهد شد.

۲. **مقبولیت:** با استفاده از این مدل، بانک نسبت به حداقل سود مشارکت در طی دوره مطمئن خواهد شد. هزینه‌های نظارت، ارزیابی و اعتبارسنجی طرح‌ها نیز برای بانک کاهش خواهد یافت. با تسهیم ریسک میان تکافل‌شوندگان (دریافت‌کنندگان تسهیلات)، بانک و مشتری دچار زیان مفرط نخواهند شد؛ بنابراین برای طرفین قرارداد مطلوبیت دارد.

۳. **جامعیت اقتصادی:** الگوی تکافل عام، قابلیت اجرایی تسهیم ریسک در تمام عقدهای مشارکتی (مشارکت مدنی، مضاربه، مساقات و مزارعه) را خواهد داشت؛ اما در بخش تخصیص منابع مشارکتی به واسطه الگوی مشارکت مشروط، فقط کالای سرمایه‌بادوام موضوع مشارکت قرار می‌گیرد؛ بنابراین در این الگو نمی‌توان از مضاربه استفاده کرد.

الزامها، مزیت‌ها و چالش‌های این راهکار

الزامها

۱. تسویه نهایی برای پرداخت سود قطعی و اصل سرمایه در پایان پروژه خواهد بود؛ بنابراین افق زمانی پرداخت سود قطعی سپرده‌گذاران همزمان با اتمام قرارداد اجاره به شرط تملیک است؛ در نتیجه این نوع قرارداد متناسب با سپرده‌گذارانی است که افق زمانی بلندمدت دارند.

۲. پدیدساختن حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری با توجه به نرخ‌های به‌دست‌آمده از سرمایه‌گذار: مسلم است که سود حاصل از کسب‌وکارها یکسان نیست و در هر حرفه‌ای حاشیه سود متفاوت خواهد بود؛ بنابراین بانک باید با توجه به سلیقه‌ها و انتظارات مشتریان در ریسک و بازدهی طرح‌ها، منابع را طبقه‌بندی کرده و با توجه به کشش بازدهی حوزه‌های تجاری به تخصیص منابع بپردازد.

در این حالت در تعیین حداقل سود انتظاری، حرکت از جهت عاملان به سمت سپرده‌گذاران صورت می‌گیرد. در عمل بانک‌ها واسطه‌ای برای یافتن تأمین‌کنندگان وجوه با توجه به نرخ درخواستی حوزه‌های گوناگون اقتصادی می‌شوند، برخلاف نظام کنونی که حرکت از سپرده‌گذاران به سمت گیرندگان تسهیلات است. در این حالت نرخ اعلام‌شده از طرف عامل به نرخ سود واقعی رایج در حرفه‌ای خاص نزدیک‌تر خواهد شد و سود تحقق‌یافته تصنعی نخواهد بود. بنگاه‌های اقتصادی برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از تسهیلات می‌کوشند سود انتظاری بالاتری را پیشنهاد دهند که خود عاملی برای رشد اقتصادی آن بخش خاص خواهد بود.

۳. تحکیم جایگاه حقوقی اتحادیه صنوف: اتحادیه به‌عنوان متصدی نهاد تکافل باید توانایی اجرای دقیق و کامل قوانین وضع‌شده را داشته باشد. در این روش اتحادیه‌ها، واسط مالی و وکیل بانک در نظارت و ارزیابی هستند؛ بنابراین اتحادیه‌ها باید سازوکار تعامل‌های حقوقی شفاف‌تری را برای ارتباط با نهاد مالی و بنگاه اقتصادی پدید آورند.

۴. مدیریت دارایی‌ها: اتحادیه باید نسبت به انتخاب صحیح بنگاه‌های متقاضی تسهیلات، خبرگی لازم را داشته باشد تا بتواند از ریسک انتخاب معکوس جلوگیری کند.

در ضمن متصدی صندوق تکافل باید منابع صندوق مشترک را به صورتی سرمایه‌گذاری کند که حتی‌الامکان سود به دست آمده از آن، تکافوی زیان بالقوه واحدهای صنفی در آن مجموعه را داشته باشد.

مزیت‌ها

۱. این روش عامل مثبتی در جهت بهبود بخش تولید است و به گسترش و نوسازی تجهیزات بنگاه‌های تولیدی می‌انجامد و از طرف دیگر عامل محرکی برای تقویت اتحادیه‌های تولیدی است.

۲. به علت همکاری تنگاتنگ اتحادیه با بنگاه و بانک، ریسک اعتباری و اطلاعات نامتقارن و انتخاب معکوس کاهش می‌یابد؛ چون اتحادیه هم از نوع تجهیزات و عملکرد و سودآوری آن دارایی مطلع است و هم نسبت به افراد و مدیریت دارایی اطلاع کافی دارد.

۳. در عمل این روش بسیار ساده‌تر از زمانی است که بانک به طور مستقیم وارد مشارکت با بنگاه‌ها می‌شود؛ چون به جای آنکه با تک‌تک بنگاه‌ها به طور جداگانه وارد مرادعه شود، با نماینده آنها که تخصص بیشتر و قدرت چانه‌زنی بالاتری دارد، به انعقاد قرارداد می‌پردازد و از طرف دیگر شفافیت عملکردی آن در کشف سود واقعی و اطمینان از به‌کارگیری سرمایه درباره مصرفی مدنظر، بیشتر است.

۴. در این راهکار سود محقق شده در قالب اجاره‌بهای دارایی پرداخته می‌شود و تسویه نهایی سود واقعی به انضمام اصل سرمایه (به همان روشی که پیش از این به آن اشاره شد) در سررسید صورت می‌گیرد. پس در این روش هر چند از قرارداد اجاره استفاده شده است؛ اما مشارکت به طور کامل در اصل دارایی و سود حاصل شده است.

۵. در الگوی تکافل، تمام اعضای مشارکت‌کننده در جبران خسارت کفیل یکدیگر هستند؛ بنابراین افزون بر پوشش ریسک خسارت‌های احتمالی که به عدم بازپرداخت‌های تسهیلات می‌انجامد، منابع صندوق مشترک به وسیله متصدی تکافل سرمایه‌گذاری می‌شود و در صورت سودآوری صندوق، اعضا از قبال دریافت تسهیلات از سود مضاعف بهره‌مند می‌شوند.

چالش‌ها

۱. این روش به این علت که قرارداد مبتنی بر یک دارایی با قابلیت استیجاری است، جامعیت لازم ندارد و فقط درباره کالاهای بادوام کاربرد دارد. در ضمن فقط از قرارداد مشارکت مدنی می‌توان استفاده کرد. در این روش نمی‌توان در خرید کالاهای تجاری و به صورت مضاربه مشارکت کرد.

۲. این روش برای طرح‌های مشارکتی با مبالغ فراوان و با بازدهی بلندمدت سودمند خواهد بود؛ اما در عوض باعث کاهش وجه نقد در دسترس می‌شود؛ بنابراین برای سرمایه‌گذاران با افق بلندمدت کارایی دارد.

۳. یکی از چالش‌های اساسی این راهکار، احتمال تبانی و رانت در میان هیئت مدیره اتحادیه و اعضا است. ممکن است اتحادیه برای افزایش اعتبار خود بخش عمده‌ای از منابع را به یک یا چند عضو معین تخصیص دهد یا نسبت به برخی از واحدهای عضو هیچ تعهدی نشان ندهد. در حالی که همان‌گونه که از پیش گفته شد، هدف اصلی در مشارکت از اتحادیه، رشد هماهنگ و پویای تمام بخش‌های اقتصادی به صورت درون‌زا است.

بنابراین به منظور اطمینان از تخصیص عادلانه منابع به وسیله اتحادیه، بانک باید نسبت به تنوع واحدهای متقاضی و تعادل در میزان مشارکت‌های صورت‌گرفته نظارت داشته باشد. هزینه‌های نظارت در این روش بسیار کمتر از حالتی است که هر واحد صنفی متقاضی تسهیلات باشد. به عبارت دیگر بانک از صرفه‌های ناشی از مقیاس استفاده خواهد کرد و سهم عمده‌ای از این هزینه‌ها به اتحادیه‌ها محول می‌شود؛ البته می‌توان با استفاده از بسترهای الکترونیکی و شبکه‌های تحت وب بر کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی نظارت افزود.

۴. افزایش ریسک عملیاتی: اتحادیه به مراتب بیش از بانک‌ها با ریسک‌های انجام معامله‌ها، اعتماد، ریسک‌های پرسنلی و انجام قراردادها روبه‌رو است. بانک‌ها به علت بهره‌گیری از نظام‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و نیز نظام‌های مدیریت عملکرد بهینه در سطح گسترده، ریسک عملیاتی خود را پوشش می‌دهند؛ در حالی که اتحادیه متشکل از افرادی است که هر چند در زمینه کاری خود خبره هستند؛ اما در زمینه‌های تخصیص بهینه بودجه و فرایندهای مالی تخصص بالایی ندارند و طبیعتاً باعث افزایش ریسک عملیاتی

اتحادیه می‌شود؛ البته در صورتی که متصدیان اتحادیه نسبت به امور مالی تجربه کافی داشته باشند یا با گذشت زمان به این تجربه نائل شوند، ریسک عملیاتی کاهش می‌یابد.

۵. سودآوری صندوق مشترک سرمایه‌گذاری نهاد تکافل، هم‌بستگی فراوانی با میزان سرمایه جذب‌شده آن دارد؛ بنابراین برای دستیابی به سودی که جبران‌کننده برخی از خسارت‌های عمده باشد، باید درصدی از تسهیلات که به صورت هبه به صندوق تخصیص داده می‌شود، افزایش یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های جدی بانکداری ایران، چگونگی اجرای عقود مشارکتی در قالب بانکداری بدون رباست. تحلیل روند اجرایی این نوع قراردادها از آن حاکی است که نظام کنونی بانکداری قادر نخواهد بود تمام شرایط و الزامات قراردادهای مشارکتی را رعایت کند. مشارکت در طرح‌های اقتصادی نیازمند تخصص و نظارت همه‌جانبه و برخورداری از نظامی منعطف در برابر نوسان‌های بخش واقعی اقتصاد است. نهاد مشارکت‌کننده باید متناسب با نوع مشارکت انجام‌شده، پذیرنده ریسک‌های خاص آن باشد. هم‌اکنون اغلب بانک‌های تجاری به مشارکت در بخش‌های متنوع اقتصاد و با ریسک‌های متفاوت اقدام می‌کنند و همین ناسازگاری باعث عدم صحت اجرای عقود مشارکت‌محور می‌شود.

در راهکار پیشنهادی، واحدهای صنفی در قالب اتحادیه‌های صنوف به تشکیل نهاد تکافل اقدام می‌کنند. واحدهای صنفی با هبه درصدی از تسهیلات به صندوق، ریسک‌های خود را با دیگر واحدهای دریافت‌کننده تسهیلات تسهیم می‌کنند. صنوف نیز با پرداخت حق بیمه به تشکیل تکافل اتکایی اقدام می‌کنند. در این حالت واحدهای صنفی و اتحادیه‌ها در برابر ریسک‌های پیش‌بینی‌نشده حمایت خواهند شد. در ضمن با اجرای مدل مشارکت مدنی مشروط در قالب نهاد تکافل، برخی از چالش‌های عقود مشارکتی مرتفع خواهد شد. در این روش به علت نظارت و مشارکت اتحادیه در جریان واگذاری تسهیلات مشارکتی، مسئله انتخاب معکوس و تعیین نرخ واقعی سود و ارزیابی نهایی پروژه مرتفع شده و هزینه‌های نظارتی بانک کاهش خواهد یافت. بر مبنای الگوی تکافل عام نیز افزون

بر پوشش ریسک خسارت‌های احتمالی بنگاه، سازوکار مناسبی برای رشد و پویایی بخش‌های خرد اقتصاد خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. آقامهدوی، اصغر، حمیدرضا اسمعیلی‌گیوی و مجتبی کاوند؛ «بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)»؛ *دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی*، س ۶، ش ۱۲، ۱۳۸۸.
۲. آقائظری، حسن؛ «نظریه مشارکت در سودوزیان، چالش‌ها و راهکارها»؛ *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، س ۸، ش ۲۹، ۱۳۸۷.
۳. آمار داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۴. احمدی حاجی‌آبادی، سیدروح‌الله و احمد بهاروندی؛ «راهکارهای اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران»؛ *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، س ۱۰، ش ۳۸، ۱۳۸۹.
۵. اقبال، منور، اوصاف احمد و طریق‌الله خان؛ *چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی*؛ ترجمه حسین میسمی و مسلم بمانپور؛ چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
۶. اکبریان، رضا و حمید رفیعی؛ «بانکداری اسلامی؛ چالش‌های نظری - عملی و راهکارها»؛ *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، س ۷، ش ۲۶، ۱۳۸۶.
۷. امیراصلانی، اسدالله؛ «ارزیابی قراردادهای شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»؛ *مجموعه مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری اسلامی، ۱۳۷۱.
۸. توتونچیان، ایرج؛ پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری؛ چ ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری توانگران، ۱۳۷۹.
۹. زارع، محمدصادق؛ «تکافل از تئوری تا عمل»؛ *مجله بیمه ملت*، س ۲، ش ۱۲، [بی‌تا].

۱۰. سعدی، حسین‌علی و رضا میرزاخانی؛ «صحت بیمه عمر در عرض عقود مستقل فقهی»؛ پژوهشنامه بیمه، ش ۱۱۱، ۱۳۹۲.
۱۱. سویلم، سامی ابراهیم؛ پوشش ریسک در مالی اسلامی؛ ترجمه محمدمهدی عسکری، محمد علیزاده و مهدی حاجی رستم‌لو؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۸۶.
۱۲. شیوا، رضا؛ «نقش و آینده مؤسسات اعتباری غیربانکی در توسعه اقتصاد کشور»؛ مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۹.
۱۳. عامل، رویا؛ «نگاهی به بیمه اتکایی تکافل»؛ تازه‌های جهان بیمه، ش ۱۰۶، ۱۳۸۶.
۱۴. عرفانی، توفیق؛ قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران؛ چ ۱، تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
۱۵. عسگری، محمدمهدی و حمیدرضا اسمعیلی‌گیوی؛ «تحلیل نظری ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافل و بیمه‌های متعارف»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۳۲، ن ۱۳۸۷.
۱۶. عقیلی‌کرمانی، پرویز؛ «مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا»؛ مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۱.
۱۷. علوی، سیدیحیی؛ بانکداری بدون ربا؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸.
۱۸. قادری، جعفر؛ «بانکداری اسلامی توانمندی‌ها و چالش‌ها»؛ دومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، چ ۱، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۱۹. قری‌بن‌عید، محمدعلی؛ «مشکلات بانک‌های اسلامی و راه‌حل‌های آن»؛ ترجمه غلام‌رضا مصباحی‌مقدم؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۲۰، ۱۳۸۴.
۲۰. کدخدایی، حسین؛ «پدیده ریسک در بانکداری اسلامی»؛ مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۹.

۲۱. معصوم بالله، مهد؛ تکافل کاربردی و بیمه مدرن: قوانین و اصول کاربردی؛ ترجمه محسن روحانی؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۲. معصومی نیا، غلام‌علی و مصطفی شهیدی‌نسب؛ «بررسی فقهی و اقتصادی ابزار تأمین مالی مشارکت کاهش‌یابنده»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۹، ش ۳۵، ۱۳۸۸.
۲۳. موسویان، سیدعباس؛ «ارزیابی قراردادهای شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۹، ۱۳۸۴.
۲۴. _____؛ «الگوی جدید بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۶، ش ۲۳، ۱۳۸۵.
۲۵. _____؛ «بانکداری بدون ربا در هم‌گرایی با بانکداری بین‌المللی»؛ مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۸۴.
۲۶. _____؛ طرح تحول نظام بانکی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۷. نصرآبادی، داوود و احمد شعبانی؛ «چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سودوزیان و راهکارهای آن»؛ دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱، ۱۳۸۷.
۲۸. نورانی، سیدمحمدرضا، فتح‌الله تازی، غدیر مهدوی و حسین رشیدی‌نژاد؛ «تکافل سازوکاری مناسب برای ارائه بیمه‌های خرد در مناطق روستایی ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کرمان)»؛ دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، س ۸، ش ۱۶، ۱۳۹۰.
۲۹. هادوی‌تهرانی، مهدی؛ «مبانی فقهی و حقوقی بانکداری اسلامی»؛ مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۰. هدایتی، سیدعلی‌اصغر؛ «بررسی جبران زیان‌های وارده بر افراد بر اثر کاهش قدرت خرید پول و چگونگی جبران زیان‌های وارده بر سپرده‌ها و منابع بانک»؛ مجموعه

سخنرانی‌ها و مقالات هفتمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی
بانکداری ایران، ۱۳۷۵.

31. Ahmed, Habib; **Operational Structure for Islamic Equity Finance, lessons for Venture Capital**; Islamic Development Bank, 2005.
32. Chapra, M. Umer; **Towards a Just Monetary System**; the Islamic Foundation, Leicester, 1985.
33. Ho, P. & D. Staib; "Insurance in the Emerging Markets: Overview and Prospects for Islamic Insurance", **Sigma Series**, Swiss Reinsurance Company Ltd, no.5 ,2008.
34. Jaffer, Soheil; **Islamic Insurance, Trends, Opportunities & the Future of Takaful**, Euromoney Books, 2007.
35. Khan, Tariquallah; **Redeemable Islamic Financial Instruments and Capital Participation in Eiwrrprises**; Islamic Research and Training Institute, Jeddah: Islamic Development Bank, First Edition, 1995.
36. Omar Farooq, Mohammad, Partnership; **Equity-financing and Islamic finance: Whither profit-Loss-Sharing?**; Iowa University, 2006.
37. Salahuddin, Ahmad; **Islamic Banking**; Finance & Insurance - A Global Overvie", Gombak, Kualampor, 2006.
38. Siddiqi, M. N; **Issues in Islamic Banking**; the Islamic Foundation, Leicester, 1983.
39. www.dadkhahi.net.